

[توصیه استاد 1](#_Toc526075854)

[وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر 2](#_Toc526075855)

[فرمایش محقق خویی 2](#_Toc526075856)

[مناقشه در بیان محقق خویی 3](#_Toc526075857)

[اشکال اول: عدم اطلاق مالم یحدث 3](#_Toc526075858)

[اشکال دوم: تقیه ای بودن روایت 3](#_Toc526075859)

[اشکال سوم: عدم شمولیت روایت نسبت به فرض محل بحث 4](#_Toc526075860)

[نکته: عدم تعارض بین روایت أبی همام و زراره 4](#_Toc526075861)

[مختار استاد:عدم وجوب تکرار تیمم برای هرنماز 4](#_Toc526075862)

[استدلال دیگر محقق خویی بر وجوب تیمم بعد از حدث اصغر 5](#_Toc526075863)

[تقریب استدلال به آیه 5](#_Toc526075864)

[مناقشه در استدلال محقق خویی 6](#_Toc526075865)

[استدلال محقق خویی به روایات 7](#_Toc526075866)

[مناقشه در کلام محقق خویی 8](#_Toc526075867)

[فرع بعدی: حکم حائض متیمم بعد از حدث اصغر 8](#_Toc526075868)

**موضوع**: وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر /احکام تیمم /تیمم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در این بود که اگر حدث اصغر از جنب متیمم صادر شد باید تیممش را تکرار کند یا خیر؟! عرض شد که این بحث یکی از مسائل مهم و مورد ابتلاء است. ابتداء در جنب بحث می کنیم و بعد به حائض می رسیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

# توصیه استاد

برخی انتقاد می کنند به مطالب زیادی که در کلاس گفته می شود؛ تنها راه حل این مطلب گسترش و کثرت مطالعه است. باید قبل از کلاس مطالعه و بررسی شده باشد و بعد برای نقد استاد و بررسی کلام استاد سر درس حاضر شوند. این بحث ها در صورت کثرت مطالعه بسیار آسان است؛ لکن تنها اشکال در کم کاری است. طبیعت بحث خارج این است که باید افراد حرف ها را دیده باشند و مطالعه کرده باشند و برای بررسی سر درس حاضر شوند و مباحثه نیز بکنند.

# وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر

بحث در این فرع مهم بود که شخص جنب تیمم کرده است و بعد محدث به حدث اصغر می شود. آیا باید تیمم را تکرار کند یا اینکه تیمم او باقی است؟ در صورت دوم، اگر آب دارد باید وضو بگیرد و اگر آب ندارد تیمم بدل از وضو به جا آورد.

## فرمایش محقق خویی

محقق خویی برخلاف خیلی مباحث که خلاف مشهور می رود، در این بحث موافق مشهور بوده است و ما به ایشان اشکال داریم. محقق خویی فرموده است که تیمم شخص در این صورت نقض می شود. مقدمه ای فرمود که جنابت باقی است و وقتی باقی بود مقتضای ادله، انتقاض تیمم است. ادله را عرض کردیم؛ سه دسته از روایات را ایشان مطرح کرده بودند که دسته ی اول روایات مطلقه «الجنب یتیمم»[[1]](#footnote-1) بود، دسته ی دوم روایات َ «الْمُتَيَمِّمُ يُصَلِّي بِتَيَمُّمِهِ...مَا لَمْ يُحْدِث‏»[[2]](#footnote-2) بود، بحث از دسته ی سوم ناتمام ماند که تمسک به صحیحه ابی همام بود.این وجه در کلمات صاحب جواهر نیست و محقق خویی مطرح کرده است. روایت در باب 20 حدیث چهارم است:

« رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: يُتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»[[3]](#footnote-3).

سند روایت تمام و همه از ثقات هستند.

گفته شد که لسان این روایت شبیه لسان روایتی است که وضو برای هر نمازی را بر مستحاضه واجب می داند. اگر ما بودیم و این روایت حکم به وجوب تکرار تیمم نسبت به هر نماز می دادیم. لکن صحیحه زراره در همین باب روایت اول است:

« أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بِتَيَمُّمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلَّهَا فَقَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبُ الْمَاءَ»[[4]](#footnote-4).

تمام راویان این حدیث نیز از ثقات هستند. محقق خویی فرموده است که صحیحه زراره صحیحه ابی همام را تخصیص می زند؛ یعنی تکرار تیمم برای هر نماز واجب است مگر در جایی که حدث سر نزده باشد.

ایشان می فرماید محل کلام ما داخل در این عام است. محل کلام ما این است که کسی تیمم کرده و سپس از او حدث صادر شده است. وقتی حدث صادر شد، صحیحه زراره که مخصص بود شامل آن نمی شود؛ زیرا فرض این است که حدث از شخص صادر شده است. لذا عموم «یتیمم لکل صلاۀ» شامل او می شود. نتیجه این می شود که باید برای هر نماز تیمم کند.

فرق این مقام با مستحاضه این است که در مستحاضه حدث در جریان است و مخصص ندارد و باید برای هرنمازی وضو بگیرد، لکن در مقام، حدث در جریان نیست و متوقف بر حدوث حدث است؛ اگر حدث از او صادر شد، مشمول روایت ابی همام می شود و باید برای نماز بعدی نیز تیمم به جا آورد. محقق خویی به عموم این روایت تمسک کرده و فرموده است که محل کلام ما مشمول این عموم است و مخصص، شامل آن نمی شود.

قدر متیقن در «یتیمم لکل صلاۀ جنب» است گرچه محقق خویی در سایر اغسال این روایت را مطرح کرده است، لکن تفاوتی نمی کند؛ یا مقرر اشتباه آورده است یا خود محقق خویی صلاح دیده است که در آنجا ذکر کند.

## مناقشه در بیان محقق خویی

این اسدلال ناتمام به نظر می رسد.سه اشکال بر کلام محقق خویی وارد می شود:

### اشکال اول: عدم اطلاق مالم یحدث

شمول روایت «یتیمم لکل صلاۀ» که محقق خویی شامل محل کلام دانسته اند، نسبت به محل کلام، مبتنی بر این است که مالم یحدث، مفهومش محل کلام را شامل شود، در حالی که در جلسه ی گذشته اطلاق آن مورد تردید قرار گرفت. مالم یحدث اینجا را شامل نمی شود. مراد از حدث در مالم یحدث همان حدثی است که شخص به خاطر آن حدث، تیمم به جا آورده است.

### اشکال دوم: تقیه ای بودن روایت

عبارت این حدیث همانطور که صاحب وسائل حمل کرده است[[5]](#footnote-5)، بوی تقیه می دهد؛ عامه قائل بودند که باید نسبت به هر نماز یک تیمم داشته باشد. همین عباس بن معروف از ابی همام در روایت محمد بن سعید بن غزوان روایت کرده است:

« وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: لَا يُتَمَتَّعُ بِالتَّيَمُّمِ إِلَّا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ وَ نَافِلَتُهَا»[[6]](#footnote-6).

این روایت را نیز حمل بر تقیه کرده اند لکن آنجا از امام صادق بود و اینجا از امام رضا علیه السلام است. این روایت گرچه محمد بن سعید بن غزوان وثاقتش ثابت نیست، لکن موید این است که این عبارت تقیه ای است.

### اشکال سوم: عدم شمولیت روایت نسبت به فرض محل بحث

اشکال سوم این است که این روایت محل کلام را شامل نمی شود؛ زیرا در«يُتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»[[7]](#footnote-7) آمده است. ما می گوییم در مقام نیز فرض بر این است که آب پیدا شده است، لذا دیگر تیمم نمی خواهد. اگر قرار باشد آن حدث اطلاق داشته باشد، یوجد الماء نیز اطلاق دارد و محل کلام را شامل می شود. بنابراین ادله ی وضو حکم به وجوب وضو گرفتن در مقام می کنند.

«یتیمم لکل صلاۀ» تا زمانی که آب پیدا کند و فرض ما هم جایی است که شخص اب پیدا کرده است.

## نکته: عدم تعارض بین روایت أبی همام و زراره

گمان نشود که این روایت ابی همام با روایت ماقبلش که در وسائل آمده است، معارض است؛ زیرا آن روایت می گفت: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ لَا يَجِدُ الْمَاءَ أَ يَتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ فَقَالَ لَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمَاءِ.» [[8]](#footnote-8).

لذا به قرینه ی روایت زراره انقلاب نسبت رخ می دهد.

## مختار استاد:عدم وجوب تکرار تیمم برای هرنماز

خلاصه اینکه ما می گوییم همانطور که شما ما لم یحدث را مطلق معنا می کنید و شامل حدث اصغر می دانید، ما نیز می توانیم یوجد الماء را مطلق معنا کنیم و شامل وجدان آب برای رفع حدث اصغر نیز بدانیم. کلام ما این است که اینکه بر شخص واجب باشد مانند مستحاضه برای هر نمازی تیمم کند همانطور که صاحب وسائل فرموده است، قابل التزام نیست. در ذهن ما این است که این متن، متن تقیه ای باشد؛ زیرا اهل سنت نیز قائل به وجوب تکرار هستند. قرینه ی حمل بر تقیه نیز همین است که ابی همام در آن روایت دیگر نقل می کند که آنجا تقیه ای بودنش واضح است. محصل کلام اینکه حکم به وجوب تکرار تیمم نسبت به هر نماز عرفی نیست.

بهتر این است که این روایت حمل بر تقیه شود لذا استدلال محقق خویی بر این روایت ناتمام است، علاوه بر اینکه ما ندیدیم احدی بر این روایت استدلال کند.

تا کنون وجه اول اینکه متیمم که حادث به حدث اصغر شده است، باید تیمم را تکرار کند را بیان کردیم. حاصلش این شد که با تمسک به سه دسته از روایات حکم کردند که شخص باید تیمم کند.

## استدلال دیگر محقق خویی بر وجوب تیمم بعد از حدث اصغر

محقق خویی رحمه الله وجه دومی را بر وجوب تیمم بیان کرده اند. در وجه دوم دیگر نیازی به مقدمه سابقه که مدنظر قرار دادن بقاء جنابت بود، نیست. در این وجه محقق خویی به ایه ی شریفه و برخی روایات استدلال می کند بدون این مقدمه که جنابت باقی است.

### تقریب استدلال به آیه

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ- فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ- وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ- وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا»«وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى‏ أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ- أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّبا.﴾[[9]](#footnote-9)

دو تقریب در آیه ی شریفه مطرح شده است.

**تقریب اول:** ایشان فرموده است که موضوع در آیه ی شریفه این است که إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ یعنی «اذا کنتم محدثین به حدث اصغر». در روایت ابن بکیر نیز به حدث اصغر تفسیر شده است:

« ِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُهُ تَعَالَى إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ مَا يَعْنِي بِذَلِكَ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ قَالَ إِذَا قُمْتُمْ مِنَ النَّوْم‏»[[10]](#footnote-10).

ایشان فرموده است که کسی که محدث به حدث اصغر است در صورت وجدان آب که وظیفه اش وضو است و باید وضو بگیرد و در صورت فقدان آب باید تیمم کند.

یعنی همین محدث به حدث اصغر در صورت جنابت، اگر آب داشت باید غسل می کرد، همین شخص که در صورت وجدان اب وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. این بسیار نکته ی مهمی است. ایشان محدث به حدث اصغر را موضوع در این آیه می داند. فرض کلام ما محدث به حدث اصغر است؛ آیه می فرماید اگر کسی در صورت وجدان آب وظیفه اش غسل بود، اگر آب نداشت وظیفه اش تیمم می باشد. محل بحث ما نیز همین طور است. محدث به حدث اصغر که موضوع بحث ماست، اگر آب داشت باید غسل می کرد، مولا گفته است همین شخص اگر آب ندارد باید تیمم کند. محل بحث ما نیز همین است. شخصی تیمم کرده و خوابیده و از خواب بیدار شده است، اگر آب داشت باید غسل می کرد، آیه ی قرآن می گوید حال که آب نداری باید تیمم کنی. موضوع بحث ما محدث به حدث اصغر است. وجوب تیمم قید دارد؛ قید آن جنابت نیست، موضوع، آن کسی است که اگر آب داشت باید غسل می کرد. «وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا» ای کسی که اگر آب داشتی باید غسل می کردی، اگر آب نداری تیمم کن. این یک تقریب است که هیچ نیازی به صدق جنب به این شخص نیست. مهم این است که محدث به حدث اصغر باشد که هست. و مهم این است که اگر آب داشت وظیفه اش غسل باشد که آن نیز صدق می کند.

**تقریب دوم**: موضوع آیه ی شریفه شخص جنب نیست تا در جواب گفته شود که در جنب بودن این شخص شک داریم؛ موضوع این ایه «لامستم النساء» است. این شخص هم مصداقی از لامس به نساء است. ولو قبلا لمس کرده است ولی حال که آب پیدا نکرد، تیمم واجب است. ما نیازی به صدق جنب نداریم. فرقی نمی کند که او را بعد از تیمم جنب بدانیم یا ندانیم، در هر صورت این شخص مصداقی از لامستم النساء است و باید در صورت عدم وجدان آب تیمم کند.

### مناقشه در استدلال محقق خویی

این کلام ناتمام است. ما ادعایمان این است که «اذا قمتم» یعنی محدث به صورت مطلق. موضوع آیه محدث است و بعد محدث را تقسیم کرده است. اگر این محدث غیر جنب است باید وضو بگیرد و اگر جنب است باید غسل کند. روایت ابن بکیر هم که تطبیق بر نوم کرده است صرفا یک تطبیق است. موضوع آیه محدث است و خدای متعال محدث را دو قسم کرده است؛ یک محدثی که جنب است که باید غسل کند و اگر جنب نیست باید وضو بگیرد و اگر آب نداشت باید تیمم کند. بنابراین به نظر ما در این ایه دو موضوع داریم. لذا نمی توان تمسک به عام در شبهه مصداقیه کرد؛ ما در مثال محل بحث، نمی دانیم که این شخص محدث به حدث اکبر است یاخیر؛ ما نمی دانیم این شخص بعد از انجام آن تیمم بدل از غسل و صدور حدث اصغر، جنب است یا خیر؛ کلام محقق خویی خلاف ظاهر است. به نظر ما موضوع همان محدث است.

به نظر ما «لامستم النساء» موضوعی جدید نیست، بلکه کنایه از جنابت است لذا اگر آن مقدمه ای که ایشان ادعا می کند مبنی بر مفروض گرفتن بقای جنابت نسبت به شخص، درست باشد، استدلال به این آیه تمام است و این آیه جزء ادله ی قسم اول می شود. اما اگر از آن مقدمه قطع نظر کنیم کما هو الظاهر، دلیل ایشان ناتمام خواهد بود. اینکه ایشان خیلی در این آیه اهمیت می دهد و می گوید «فی الاستدلال باالآیه و الروایات غنی» به نظر ما صحیح نیست.

## استدلال محقق خویی به روایات

سپس ایشان به روایاتی تمسک می کند. روایات باب 24 را ذکر می کنند:

« مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ وَ مَعَهُ قَدْرُ مَا يَكْفِيهِ مِنَ الْمَاءِ لِوُضُوءِ الصَّلَاةِ أَ يَتَوَضَّأُ بِالْمَاءِ أَوْ يَتَيَمَّمُ قَالَ لَا بَلْ يَتَيَمَّمُ أَ لَا تَرَى أَنَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ نِصْفُ الْوُضُوءِ»[[11]](#footnote-11).

شخص جنب شده است و به اندازه ی وضو آب دارد، آیا وضو بگیرد یا تیمم کند؟ حضرت حکم به وجوب تیمم کردند. أَ لَا تَرَى أَنَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ نِصْفُ الْوُضُوءِ؛ چند روایت صحیح بدین مضمون موجود است. محقق خویی فرموده است ظاهر این روایات این است که هر کسی که وظیفه اش در صورت وجدان آب غسل است، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. در محل بحث ما نیز شخص اگر آب داشت وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب برای غسل باید تیمم کند.

ایشان ادعایش این است که موضوع در این روایت جنب نیست تا اشکال شود که در جنب بودن شخص شک داریم؛ موضوع در این روایت هر کسی است که در صورت وجدان آب وظیفه اش غسل بود، در صورت فقدان آب باید تیمم کند. عبارت محقق خویی در تبیین این استدلال چنین است:

« فإنّها تدلّنا على أن من كانت وظيفته الاغتسال و لم يجد ماءً وجب عليه التيمّم. و المكلّف مأمور بالاغتسال في المقام و لكنّه لم يجد الماء فوجب عليه أن يتيمّم لا محالة»[[12]](#footnote-12)

بنابراین در نظر ایشان موضوع تیمم هرکسی که وظیفه اش اغتسال است می باشد. کلمه ی مجنب نیز در روایت نبود. این که اشکال شود که در مجنب بودن شخص شک داریم. بلکه یجنب گفته است. هر کسی که جنب شده است و وظیفه اش غسل باشد این حکم را دارد.

## مناقشه در کلام محقق خویی

به نظر می رسد این استظهار از روایت درست نیست. ظاهر این روایت این است که سائل می پرسد همان رجل جنب باید وضو بگیرد یا اینکه تیمم کند؟ موضوع در این روایات جنب است که صدق آن بر محل کلام قابل اشکال است. بنابراین ایشان یک دلیل بیشتر ندارد که آن دلیل متوقف بر آن مقدمه است که تیمم جنابت را نمی برد. اگر گفتیم که تیمم جنابت را نمی برد کلام ایشان تمام خواهد بود. ولی ما که در مقام این مقدمه را اشکال داریم، استدلال به این روایات نیز ناتمام است. حاصل اینکه موضوع آیه و تمام روایات وارد در مسئله جنب است. ما وجه تفکیک بین ایه و برخی روایات را که ایشان انجام داده است را نمی فهمیم. اگر گفتیم جنابت باقی است این استدلالات صورت پیدا می کند و بحثی که در جلسه ی گذشته مطرح کردیم می آید مبنی بر اینکه این أدله جنب اولی را می گویند و در مقام بیان حکم بقای جنابت نیستند؛ بنابراین دلیل ایشان را در فرع اول که متیمم مجنب بود نتوانستیم بپذیریم.

# فرع بعدی: حکم حائض متیمم بعد از حدث اصغر

بعد ایشان وارد فرع دوم می شود .فردی حائض است و محدث به حدث اصغر شده است. در اینکه تیمم بدل از وضو بر او واجب است بحثی نیست. زیرا تیمم حائض مغنی از وضو نیست. باید بالاخره بدل از وضو تیمم کند. لکن کلام در این است که علاوه بر این وضو باید تیمم بدل ازغسل را تکرار کند یا خیر؟ محقق خویی حکم به تکرار تیمم داده است. فرموده است درست است که برخی از ادله ی ما که انطباق عنوان بود اینجا نمی آید. بر حائض دلیل نداریم که« الحائض یتیمم» ؛ درست است که ادله ای که عنوان «جنب» و «لامستم النساء» داشت این جا نمی آید، ولی ادله ی دیگر کفایت می کند. همان ادله ای که می گفت می تواند با تیمم نماز بخواند تا زمانی که محدث نشده باشد. «الْمُتَيَمِّمُ يُصَلِّي بِتَيَمُّمِهِ...مَا لَمْ يُحْدِث‏»[[13]](#footnote-13)، متیمم اطلاق دارد در متیمم جنب یا غیر جنب. روایت دیگر هم «يُتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»[[14]](#footnote-14)است که ایشان با این ادله بحث را تمام کرده است. ما نیز در این ادله بحث کردیم و آن ها را ناتمام دانستیم؛ لذا در تمام موارد کلام ما این است که تکرار تیمم لازم نیست بلکه وضو واجب است. ملاحظه بفرمایید . وصلی الله علی محمد و ال محمد.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص204.](http://lib.eshia.ir/10083/3/204/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص199.](http://lib.eshia.ir/10083/1/199/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص201.](http://lib.eshia.ir/10083/1/201/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص163.](http://lib.eshia.ir/11002/1/163/) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص379، أبواب بَابُ جَوَازِ إِيقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيَمُّمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يَجِدِ الْمَاء، باب20، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/379/تقیه) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص380، أبواب بَابُ جَوَازِ إِيقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيَمُّمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يَجِدِ الْمَاء، باب20، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/380/) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص201.](http://lib.eshia.ir/10083/1/201/) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص380، أبواب بَابُ جَوَازِ إِيقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيَمُّمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يَجِدِ الْمَاء، باب20، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/380/) [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره مائده، آيه 6. [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص7.](http://lib.eshia.ir/10083/1/7/) [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص386، أبواب ُ وُجُوبِ تَيَمُّمِ الْجُنُبِ وَ إِنْ وَجَدَ مِنَ الْمَاءِ مَا يَكْفِيهِ لِلْوُضُوءِ وَحْدَهُ وَ عَدَمِ إِجْزَاءِ الْوُضُوءِ لَه‏، باب24، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/386/) [↑](#footnote-ref-11)
12. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10، ص400.](http://lib.eshia.ir/71334/10/400/) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص199.](http://lib.eshia.ir/10083/1/199/) [↑](#footnote-ref-13)
14. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص201.](http://lib.eshia.ir/10083/1/201/) [↑](#footnote-ref-14)